



بحث و نظر

از: مرکز تحقیقات و بررسیهای اقتصادی اتاق

تحلیلی از تحولات اقتصادی کشور

در سال ۱۳۷۱*

اقتصادی کشور با بیش وسيعتر و اعتماد و
اطمینان افزون تر اقدام کنند.

تولید و هزینه ملی

قیمت‌های ثابت همچنان ادامه یافت لیکن در مقایسه با سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ این رشد آهسته‌تر بود. با این همه رقم ۶/۳ درصد رشد تولید ناخالص داخلی به دست آمد که خود رقمی چشمگیر و قابل ملاحظه است زیرا که در سال مورد بحث پاره‌ای از کشورهای پیشرفته صنعتی رشد منفی داشته و برخی که رشد مثبت

بر اساس گزارشی که رئیس کل بانک مرکزی به سی و سومین اجلاس مجمع عمومی بانک که در مردادماه سال جاری تشکیل شد، ارائه داد، در سال ۱۳۷۱ رشد تولید ناخالص داخلی به

سال ۱۳۷۱ از بسیاری جهات برای ایران یک سال استثنایی تلقی می‌شد که در پاره‌ای زمینه‌ها جنبه منفی و در بسیاری زمینه‌ها جنبه مثبت داشت. تحلیل تحولات اقتصادی کشور - اعم از مثبت یا منفی - به مجریان و دست‌اندرکاران برنامه‌های مملکتی این فرصت را می‌دهد که در اصلاح روندهای امور

تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۶۲ معادل ۱۳/۲ درصد بود در سال ۱۳۷۱ به ۲۳/۱ درصد رسید.

کشاورزی

با وجود سیل‌های مخربی که در سال ۱۳۷۱ به طور مکرر جاری شد و بسیاری از زمین‌های کشاورزی و محصولات را ویران کرد و از بین برد، معیذاً کشاورزی کشور از رشد مطلوب و چشمگیری برخوردار بود و ارزش افزوده آن به قیمت‌های ثابت از رقم ۲/۴ درصد برخوردار گردید. به طور کلی در ۴ سال اول برنامه رشد کشاورزی کشور ۶/۱ درصد در سال بوده که ۵/۶ درصد از هدف تعیین شده در برنامه بالاتر است.

طی سال مورد بحث تولید گندم با افزایش معادل ۱۷/۷ درصد نسبت به سال قبل از آن به رقم ۱۵/۳ میلیون تن رسید. هدف این است که در برنامه دوم، ایران از حیث تولید پاره‌ای محصولات استراتژیک مانند گندم، جو، پنبه، دانه‌های روغنی، چغندر قند و نظایر آن خودکفا شود. سال گذشته دولت از کشاورزان ۴۵۸۵ تن گندم مازاد بر مصرفشان را خریداری کرد که این رقم ۲۵/۴ درصد بیش از رقم خریداری شده در سال ۱۳۷۰ می‌باشد. به دلیل همین افزایش تولید از حجم واردات گندم در سال مذکور ۱۹/۷ درصد نسبت به سال قبل از آن کاسته شد.

تولید پنبه در سال گذشته کاهش داشت و انتقادات بسیاری را برانگیخت، کارشناسان صنعت نساجی کشور عقیده دارند که توجه لازم به تولید پنبه در کشور نشده است. در حالی که اگر پنبه تبدیل به پارچه شود و صادر گردد و یا حتی از واردات آن بکاهد، ارزش افزودهای معادل ۷ برابر به دست می‌آورد که با سهمی از آن می‌توان گندم مورد نیاز را هم خریداری کرد. اما افزایش پنبه عملاً هیچ‌گونه مغایرتی با افزایش تولید کالاهای استراتژیک دیگر ندارد. اصولاً تاکنون محاسبه دقیقی از ظرفیت‌های بالقوه کشاورزی در کشور ما به عمل نیامده

نمی‌رفتیم. حالا هم که چنین وضعی روی داده باید مسأله را صادقانه با طرف‌های تجاری خارجی خود و مردم کشورمان در میان بگذاریم و در اصلاح روندها به کوشیم و از تحلیل‌های غیر واقعی خودداری کنیم. با این همه باید انصاف دهیم که بعد از ظهور و بروز مشکل پرداخت‌ها، چه از طرف دستگاه‌های دولتی و چه از طرف سازمان‌های مسئول بخش خصوصی، تلاش چشمگیر و بی‌وقفه به عمل آمد تا از وسعت دامنه بحران پرداخت‌ها جلوگیری شود و برای پرداخت‌های معوقه تدابیر اساسی اندیشیده شود که از آن جمله است جلب مساعدت بانک‌های خارجی و مؤسسات تضمین صادرات آنها برای تمدید مهلت سررسید قسمتی از پرداخت‌ها و نیز شتاب بخشیدن به تسویه حسابهای معوقه در حد توان و همچنین کاستن از واردات که مقایسه دو رقم سال ۱۳۷۰ و سال ۱۳۷۱ نشان می‌دهد. با این همه در سال جاری باید هدفمان آن باشد که باز هم از واردات بکاهیم و به طرق گوناگون بر درآمدهای ارزی خود بیفزائیم تا انشاء‌الله در خاتمه سال، دیگر مشکلی به نام مشکل پرداخت‌های خارجی وجود نداشته باشد. به هر صورت، با وجود کاهش رشد در سال گذشته، در ۴ سالی که از اجرای برنامه پنج ساله می‌گذرد، جمعاً بطور متوسط رشد ۸/۱ درصد، که در برنامه پیش‌بینی شده بود، تحقق یافت. در بررسی ترکیب تولید ناخالص داخلی متوجه می‌شویم که بالاترین سهم همچنان مربوط به خدمات است، پس از آن کشاورزی، در مرحله بعد صنعت و پس از آن نفت قرار دارد.

از نقطه نظر مصرف تولید ناخالص داخلی سهم تشکیل سرمایه نسبت به سال آغاز برنامه افزایش چشمگیری یافته است. در سال ۱۳۷۰ تشکیل سرمایه رشدی به میزان ۴۱ درصد نشان داد. طی سال ۱۳۷۱ میزان رشد تشکیل سرمایه از ۷ درصد تجاوز نکرد. سهم تشکیل سرمایه در

داشته‌اند گاه از رشد ۵/۵ درصد فراتر نرفته‌اند است. براساس همین گزارش، روند اصلاحات اقتصادی در سال گذشته ادامه یافت و گامهای جدیدی در جهت رفع اختلالات اقتصادی و آزادسازی و خصوصی‌سازی اقتصادی برداشته شد.

پرداخت‌های خارجی در بازارهای بین‌المللی با مشکلاتی مواجه گردید که گزارش ارائه شده به مجمع مذکور علت آن را «عدم مساعدت بازارهای مالی بین‌المللی» می‌داند. به نظر نویسنده این مقاله چنین تحلیل‌هایی، فرار از بر شمردن علت‌ها و انداختن بار مسئولیت کلاً به دوش عوامل ناشناخته است. ما می‌باید با خودمان و با دنیا صادق باشیم. مشکلات پرداخت‌های بین‌المللی که در سال گذشته بروز کرد، ۱- ناشی از پائین آمدن نرخ دلار نسبت به نرخهای عمده‌ای مانند ین ژاپن و مارک آلمان که توان پرداخت ما را تا حدود ۲۵ درصد کاهش داد، ۲- عدم پویایی مدیریت صحیح محاسبات پولی و مالی و ارزی کشور در رویداد فوق و عدم اقدام بموقع برای ایجاد موازنه هزینه‌های ارزی با درآمد ارزی، ۳- عملکرد بی‌بندوبار سیاستهای وارداتی که ضمن ائتلاف منابع ارز داخل سیستم و ارز حاشیه‌ای باعث بالا رفتن تعهدات گردید، ۴- سیستم استفاده از روشهای خرید نسبه کوتاه مدت که هم گرانتر است و هم اکثراً کشور ما را در بازپرداخت دچار مشکل می‌کند، بوده است. فرضاً در سال گذشته ما در حالی که فقط ۱۶/۳ میلیارد دلار درآمد ارزی از صادرات نفتی داشتیم و چیزی حدود ۳ میلیارد دلار کالای غیرنفتی صادر کرده بودیم یعنی جمعاً ۱۹/۳ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم، ۲۱/۲ میلیارد دلار کالا وارد کردیم و سال قبل از آن نیز ۲۸/۵ میلیارد دلار کالا وارد کرده بودیم. به این ترتیب توان پرداخت بهای این همه واردات را نداشتیم. یوزانس‌ها هم که مبلغ و بهره آن افزایش یافت عملاً در حکم نوعی بدهکاری کوتاه مدت بود. طبیعی می‌بود اگر در حد توان خود کالا وارد می‌کردیم و به دنبال تحمیل ارقام رشد بیش از قدرت واقعی خود

است، معهذاً می‌توان گفت در حالی که در سال ۱۳۵۶ تولید پنبه کشور به حدود ۲۴۵ هزار تن رسیده بود، با توجه به افزایش شدید جمعیت، کاهش تدریجی تولید پنبه تا میزان ۷۰ هزار تن در سال گذشته، به هیچ وجه قابل توجیه نیست. با اینهمه به طور کلی سیاست حمایتی دولت در بخش کشاورزی سبب شده تا به تدریج وضع تولیدات زراعی و دامی بهبود یابد و این امید را به وجود آورد که از وابستگی شدید این زمینه محصولات اساسی، به واردات، کاسته شود. هنوز هزینه تولید بسیاری از لوازم و ابزار و مواد مورد نیاز برای کشاورزی کشور بسیار گران است کشاورزی کشور به حمایت‌های بیشتر نیاز دارد که طبعاً بهترین نوع آن ارائه خدمات کافی زیربنایی از قبیل تأمین آب لازم، زهکشی اراضی، جلوگیری از گسترش بیابانها و توسعه طرح بیابان زدایی و تبدیل اراضی موات به زمین‌های کشاورزی (در هر کجا و تا هر قدر که ممکن باشد) می‌باشد. کشاورزی ما باید بتواند روی پای خود بایستد و نیازمند به کمک دولت نباشد، اما تا رسیدن به آن مرحله، دولت باید کشاورزان را زیر چتر حمایتی قرار دهد.

سوخت و نیرو

طی سال گذشته مسیحي تولید جهانی نفت اندکی افزایش یافت. کشورهای تولیدکننده نفت غیر اوپک ۰/۸ میلیون بشکه در روز از تولیدشان کاسته شد لیکن تولید نفت خام اوپک به میزان ۱/۱ میلیون بشکه در روز افزوده گردید میانگین بهای سبد نفتی اوپک نسبت به سال قبل در حدود ۱۵ سنت کاسته شد. با این که اجلاس وزرای نفت اوپک بهای هر بشکه نفت را ۲۱ دلار تعیین کرد، لیکن در اغلب ماههای سال مورد بحث سهمیه‌ها رعایت نشد و قیمت نفت خام اوپک در سطحی پایین‌تر یعنی به طور متوسط برای سال مسیحي ۱۹۹۲ در سطح هر

بشکه ۱۸/۴ دلار محدود شد. گزارش تقدیم شده به سی و سومین اجلاس مجمع عمومی بانک مرکزی حاکی است که طبق آمار مقدماتی در سال ۱۳۷۱ تولید و صادرات نفت خام ایران به ترتیب به ۲/۷ و ۳/۷ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. به این ترتیب مصرف داخلی روزانه در یک میلیون بشکه قرار گرفت. ارزش افزوده بخش نفت به قیمت‌های ثابت ۲/۱ درصد رشد نشان داد. ارزش صادرات سفتی ایران همان طور که گفته شد به ۱۶/۳ میلیارد دلار رسید.

طی سال مورد گزارش ۲۳۵ هزار انشعاب جدید گاز در بخش‌های خانگی و تجاری نصب گردید و مصرف گاز طبیعی ۲۳ درصد رشد نشان داد.

در زمینه تولید نیرو افزایشی معادل ۹/۹ درصد داشتیم و جمعاً بیش از ۱۶۳۰۰ مگاوات برق در کشور تولید شد. نیروگاه‌های تابع وزارت نیرو ۶۳/۸ میلیارد کیلو وات ساعت برق تولید کردند که نسبت به سال قبل رشدی برابر ۶/۸ درصد نشان می‌دهد. از سوی دیگر ۲ میلیارد کیلو وات ساعت برق نیز توسط صنایع بزرگ کشور تولید و به شبکه برق کشور تحویل گردید. به این ترتیب در سال مذکور مجموع تولیدی کشور به رقم ۶۵/۸ میلیارد کیلووات ساعت بالغ شد. بیش از ۱۰۰۰ روستای جدید دارای برق شدند و به این ترتیب تا آخر سال گذشته ۲۶۱۵۸ روستای کشور دارای برق بودند.

صنعت و معدن

گزارش رئیس کل بانک مرکزی به سی و سومین اجلاس مجمع عمومی حاکی است که در سال گذشته در جهت تمرکززدائی و دادن نقش ستادی (سیاست‌گذاری و ارشاد) به وزارتخانه‌های صنعتی، گام‌هایی برداشته شده. با اینهمه همین گزارشات حاکی است که: «در این سال، همچنانکه انتظار می‌رفت (۱) برخی از صنایع، نتوانستند خود را با روند اصلاحات اقتصادی تطبیق دهند «ولی» تعدادی از رشته‌های صنعتی که دارای مزیت‌های بالقوه و

بالفعل بودند، نتوانستند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و به فعالیت خود ادامه دهند». مفهوم مخالف این جمله اخیر این است که برخی صنایع (که تعداد و حجم آنها در گزارش مشخص نشده است) نتوانستند به فعالیت خود ادامه دهند. البته انتظار می‌رود سازمان اقتصادی مستقلی مثل بانک مرکزی گزارشات خود را با توجیهات وسیع‌تر و آمار و ارقام گویاتر ارائه دهد و با اصطلاح بی‌پرده سخن بگوید تا برای مشکلات تدابیر اساسی پیدا شود. اگر سیاست اساسی و اصولی دولت این است که فعالان اقتصادی بخش خصوصی را یاری و برنامه خصوصی‌سازی را پیشرفت دهد، الزاماً باید آنها را نیز در جریان واقعیت‌ها قرار دهد. چگونه انتظار داریم مردم سهام کارخانه‌هایی را بخرند که «نمی‌توانند خود را با روند اصلاحات اقتصادی تطبیق دهند و به فعالیت خود ادامه دهند؟ این صنایع چه منابعی هستند؟ آن روند اصلاحات کدام است که در پرتو آن فقط «تعدادی از رشته‌های صنعتی که دارای مزیت‌های بالقوه و بالفعل هستند»، می‌توانند به فعالیت ادامه دهند؟ به‌صرفورت، گزارش مورد بحث رشد ارزش افزوده بخش صنعت را در سال گذشته به قیمت ثابت، ۳/۲ درصد فرآورد کرده که در مقایسه با رقم سال قبل از آن ۱۴/۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. با اینهمه گزارش، این رشد را «در حد خود» رشد مطلوب، بشمار آورده و حقیقت این است که این رشد در حالی بدست آمده که مشکل پرداختهای ارزی داشته‌ایم و رکود سراسر اروپا و آمریکا را فراگرفته بوده است. معهذاً این حقیقت برجای خود باقی می‌ماند که ما باید تعریفی جامع از رشد مطلوب بدست بدهیم و سعی کنیم رشد هماهنگ و متعادل را بر نوسانات شدید و ناهماهنگ اقتصادی ترجیح دهیم.

رشد صادرات کالاهای صنعتی در سال گذشته با افزایشی معادل ۳۷/۳ درصد به رقم

۶۵۱ میلیون دلار رسید که هنوز با ارقام آرمانی ما فاصله بسیار دارد. متأسفانه گزارش نمی‌گوید که در این ۶۵۱ میلیون دلار، سهم ارزش افزوده چقدر است. محاسبات اقتصادی امروز بیشتر متوجه ارزش افزوده است و نه ارقام مطلق تولید یا صادرات براساس گزارش مورد بحث، تولید فولاد در سال گذشته به ۳/۵ میلیون تن رسید که ۲۲ درصد نسبت به سال قبل از آن رشد داشت (۱۹ درصد بالاتر از هدف برنامه) تولید واگن ۹۰ درصد و دکل‌های انتقال نیرو ۸ درصد و شیشه جام ۲۹ درصد - لباس شوئی اتوماتیک ۳۵ درصد و تلویزیون رنگی ۲۴ درصد افزایش یافت.

بودجه دولت

گزارش ارائه شده به سی و سومین اجلاس مجمع عمومی بانک حاکمی است که در سال گذشته، از میزان کسری بودجه کاسته شد. درآمدهای دولت، با ۴۳ درصد افزایش، به رقم ۹۸۸۵ میلیارد ریال رسید که ۴۱ درصد آنرا درآمد حاصل از فروش ارز تشکیل می‌داد. گزارش حاکمی است با «منطقی‌تر» شدن نرخ ارز، درآمدهای دولت شکل «واقعی‌تر» بخود گرفت. و با دستیابی به تفاوت نرخ ارز که قبلاً بصورت سوبسید پنهان عمل می‌کرد، امکانات مالی بمراتب بیشتری برای برنامه‌های اقتصادی و «توزیع مجدد درآمدها» در اختیار دولت قرار گرفت.

بعبارت دیگر باید گفت: تفاوت نرخ خرید و فروش ارز و افزایش نرخ آن، منبعی برای درآمدهای دولت بوده و «توزیع مجدد درآمدها» بمعنی آن است که دولت درآمدهائی را که از این طریق از خریداران ارز دریافت کرده، صرف برنامه‌های عمومی مملکت یا کمک به گروه‌های نیازمند نموده است. اما گزارش ساکت است که این مکانیسم تا چه اندازه بار گرانی و تورم را بردوش داشته است. استفاده از اهرم قیمت نرخ ارز، در اقتصادهای شبیه اقتصاد کشور ما که تا حد بسیار زیادی به

واردات متکی است، شمشیر دو لبه‌ایست که باید با احتیاط کامل از آن استفاده کرد، زیرا که اگر دولت بیش از حد معقول از فروش ارز درآمد داشته باشد معنی آن این است که بیش از حد معقول قیمت کالاها و وارداتی مورد نیاز مردم را بالا برده که متأسفانه اینک از کارخانه‌ها و لوازم یدکی و مواد اولیه و مواد واسطه‌ای گرفته، تا گندم و گوشت و پنیر و قند و شکر در میان آنها بالاترین سهم را دارد. بالا رفتن نرخ ارز از سوی دیگر به معنی افزایش هزینه سرمایه‌گذاری و تولید، و باز هم عامل گرانی است. بنظر می‌رسد که غلبه بر مشکل تورم تا حد زیادی بستگی به استقرار نرخ منطقی برای ارز داشته باشد که توجه اساسی به صادرات فرآورده‌های غیرنفتی و نیز اجرای موفقیت آمیز برنامه‌هایی مانند جلب توریست و تحصیل درآمدهای تازه ارزی نقش مهمی در این راه ایفا خواهد کرد.

بازگردیم به بحث درآمدهای دولت. در سال گذشته درآمدهای مالیاتی ۳۶/۵ درصد افزایش یافت و به رقم ۳۷۲۶ میلیارد ریال رسید بطور کلی در طول چهار سال گذشته رشد متوسط سالانه درآمدهای مالیاتی ۴۱ درصد بوده است که رقمی بسیار چشمگیر است و حاکی از بهتر وصول شدن مالیاتها و موفقیت نسبی در جلوگیری از فرار از پرداخت مالیات بوده است. با اینهمه این نکته را نگفته نگذاریم که هر قدر افزایش درآمد دولت از مالیات - خصاصه مالیات مستقیم - بالا رود، در حد خود می‌تواند نشانگر رشد حرکت اقتصادی و چرخش بهتر درآمدها در جامعه باشد، اما دقیقاً باید توجه داشت که نرخهای مالیاتی و طرز وصول آن نیز نقطه مطلوبی دارد که اگر از آن فراتر رویم نتیجه کار معکوس خواهد بود، یعنی بر سرمایه‌گذاری ملی و نهایتاً تولید ملی تأثیر منفی برجای خواهد گذاشت. مالیات نیز مانند نرخ ارز باید اهرمی در خدمت توسعه هماهنگ اقتصادی و اجتماعی و افزایش اشتغال باشد که

این مورد اخیر خود طبیعی‌ترین طرز توزیع عادلانه‌تر درآمدها در هر جامعه می‌باشد. گفته شده است نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی فقط ۴/۵ درصد است و طبعاً هنوز برای اصلاح ساختار مالیاتی جای بسیار است. یعنی هدف باید این باشد که اولاً بیشتر بسوی مالیاتهای مستقیم روی آوریم، ثانیاً درآمدهائی را که دور از چشم دستگاه مالیات تحصیل می‌شود و گاه بسیار انبوه است، شناسائی کرده مالیات حقه دولت را از آنها وصول کنیم. باید در نظر داشته باشیم که در هر درآمدی مردم سهم دارند و باید سهم آنها - البته بصورتی که به اصل درآمد زیان نرزد وصول شود و به آنها بازگردانده شود.

در برابر رشد ۴۲ درصدی درآمد دولت در سال گذشته، پرداختهای دولت نیز از رشدی برابر ۳۵/۷ درصد برخوردار بود که هنوز رشد بسیار زیادی است و باید تدابیر اساسی اندیشیده شود که از رشد قارچ مانند هزینه‌های دولتی جلوگیری شود. یکی از مؤثرترین کارها در این را سپردن هر چه بیشتر کار مردم به خودشان و دادن نقش ستادی سالم و سازنده به دستگاههای دولتی است که نظارت دقیق و بازرسی مرتب و اصلاح جریان گردش کارها از آنجمله است. بهر صورت در سال گذشته، نسبت کسری بودجه به کل پرداختهای دولت ۱۴/۳ درصد به کمتر از ۱۰ درصد رسید و این امر زمینه تعادل کامل بودجه را در سال جاری فراهم ساخت.

مجموعاً نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی در سال گذشته به ۱/۷ درصد رسید، در حالیکه در سال ۱۳۴۷ این رقم ۹/۸ درصد بود. مقایسه این دو رقم گویای تلاشی بزرگ در راه اصلاح ساختار درآمدها و هزینه‌ها بوده است که باید همچنان ادامه یابد.

سیاستهای ارزی و بازرگانی خارجی

گزارش مورد بحث، پس از ذکر مقدمه‌ای

توجیهی، به آنجا می‌رسد که: در سال گذشته، زمینه آزادسازی تدریجی تجارت خارجی و اصلاح روشها و بهبود مقررات موجود در بخش تجارت خارجی و تشویق و توسعه هر چه بیشتر صادرات غیرنفتی فراهم شد. اما باید اعتراف کرد: سال گذشته با رقم حدود ۳ میلیارد دلار جمع صادرات (ثبت شده) غیرنفتی کشورمان، کارهایی که صورت گرفته فقط می‌توانسته است زمینه‌سازی برای اقدامات بعدی محسوب شود. اگر در نظر بیاوریم که کشور کوچکی مثل تایلند در سال گذشته فقط ۹ میلیارد دلار آب میوه صادر کرده است، آنوقت به رقم ناچیز صادراتمان یا بهتر بگوئیم رقم ناچیز «صادرات در حساب منظور شده‌مان» پی می‌بریم. اینکه می‌گوئیم «در حساب منظور شده» ناظر بر این نکته است که نویسنده این مقاله، بی‌آنکه آماری در دست داشته باشد، عقیده دارد صادرات واقعی، ما در عمل بیش از ارقامی است که در آمار گمرک ذکر می‌شود. یکی از موارد محسوس آن «بالا تری بودن قیمت‌ها» در کشورهای همسایه ایران است که خود عامل طبیعی قاچاق کالا از ایران به کشورهای همسایه است و فرضاً مقادیر هنگفتی دارو - گوسفند - مواد خوراکی و حتی آهن قراضه از ایران به کشورهای همسایه قاچاق می‌شود. همچنین نرخ بالای ارز که در بازار آزاد هنوز هم تا حدودی بالاتر از نرخ بانکهاست، و محاسبات مربوط به هزینه‌های گمرکی و غیره که بر مبنای قیمت کالای صادراتی محاسبه می‌شود و اصولاً تعیین نرخهای صادراتی نسبتاً نازل برای کالاهای صادر شده و نیز صادرات مسافری که در محاسبات منظور نمی‌شود، از جمله عوامل هستند که ارقام صادرات را غیرواقعی و پائین نشان می‌دهند. معیناً بحث اصلی برجای خود باقی است و آن اینکه ما هنوز تلاش چشمگیری برای ایجاد یک جهش صادراتی آغاز نکرده‌ایم - زندگی ما و طرز تفکر اقتصادی و الگوی مصرفمان وارداتی است. نگاه به صادرات و

بازارهای فروش در خارج باید بصورت یک طرز تفکر عمومی درآید و البته تا تولید خوب، استاندارد شده و سازمانهای فروش و تبلیغات درست نداشته باشیم نمی‌توانیم در این راه موفق شویم. منظور اینست که هر امری را با مقدمات و ملزومات آن در نظر بگیریم، بخصوص در مسأله مهمی مثل صادرات که رقباتی در سطح جهانی داریم.

ترکیب صادرات غیرنفتی ما در سال گذشته چنین بوده که ۶۹ درصد آنرا کالاهای سنتی و کشاورزی تشکیل می‌داده است. سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی به ۲۲ درصد رسیده که هنوز تا رسیدن به حجم و مبلغ مطلوب، فاصله بسیار دارد. در میان صادرات غیرنفتی، فرش با داشتن سهمی معادل ۲۸/۶ درصد، بالاترین رقم را تشکیل می‌داده است.

بعلت ایجاد ۵ درصد رشد در درآمدهای ارزی و ۱۲ درصد کاهش در ارزش واردات - سال گذشته کسری تراز پرداختها به رقم ۱/۹ میلیارد دلار محدود شد. حسابهای معوقه قبلی را بانک مرکزی ۲/۲ میلیارد دلار برآورد کرده، در حالیکه در رسانه‌های گروهی غروب این رقم را تا ۳۰ میلیارد دلار نیز ذکر کردند و درباره جمهوری اسلامی ایران تبلیغات منفی بسیار: راه انداختند. با اینهمه علتی که برای این تأخیر در گزارش بانک مرکزی ذکر شده ناموجه است. گزارش می‌گوید: «طی این سال پرداخت حدود ۲/۲ میلیارد دلار از اعتبارات اسنادی گشایش یافته، با تأخیر مواجه شد.

بهر صورت بدهیهای معوقه ایران کمتر از ۵ درصد حجم تجارت خارجی کشور بوده یعنی ما اگر فقط جمعاً ۵ درصد از واردات خود کاسته بودیم و ۵ درصد صادراتمان را افزایش داده بودیم، با چنین مشکلی، که با حیثیت تجارت خارجی ما مربوط است، روبرو نمی‌شدیم. نمی‌توان باور کرد که ما قدرت چنین مانوری را نداشتیم.

اجرای سیاست یک نرخ ارز عملاً از سال گذشته آغاز شد و در سال جاری بطور فراگیر و همه جانبه درآمد (بجز چند مورد که جنبه سوبسید دارد).

نقدینگی

طی سال گذشته حجم نقدینگی ۲۵/۳ درصد افزایش یافت و به رقم ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال رسید. سال قبل از آن رشد نقدینگی برابر ۲۴/۶ درصد بود. اگر چه گزارش کاهش اسکناس و پول در دست مردم را نشانه بهبود پولی می‌داند، اما باید در نظر داشته باشیم افزایش چکهای تضمینی - مسافرتی - تأیید شده و همانند آن، عملاً در حکم یکنوع نقدینگی در جامعه محسوب می‌شود - که گاه سرعت گردش آنها سریعتر از اسکناس و مسکوک است. حتی چکهای وعده‌دار که مداوم دست به دست می‌گردد و گاه تا رسیدن به بانک چندین دست می‌چرخد و کالاهای گوناگونی را مبادله می‌کند، عملاً در حکم نقدینه‌ای است که بانک فقط یکبار، در سررسید، در جریان آن قرار می‌گیرد. این وسائل پرداخت همه در زنجیره‌ای قرار می‌گیرند که نهایتاً در ایجاد و رشد تورم تأثیر دارند و اگر روزی مقرر شود که از طریق سیاست کاهش نقدینگی جاری یا پول دست مردم، با تورم مبارزه شود، باید نقش شبه پول و سرعت گردش آن نیز در محاسبات منظور و تدابیر اساسی برای کنترل صحیح آنها اتخاذ شود.

رشد قیمت‌ها

در سال گذشته شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی ۲۱/۶ درصد افزایش یافت و به این ترتیب سیر صعودی قیمت‌ها شدیدتر شد. رشد آهسته تولید و رشد بسیار سریع نقدینگی، طبعاً - با توجه به عواملی که در قسمت قبل گفته شد - قیمت‌ها را بالا می‌برد، خاصه آنکه از حجم واردات نیز کاسته شد. معیناً همه این عوامل، به معنی آن نیست که برای جلوگیری از تورم بیش از حد توان به واردات روی آوریم، بلکه سیاست اساسی ما

باید افزایش تولید داخلی و روی آوری به صادرات باشد. در شرائط امروزی، راهی بهتر از تولید برای صادرات بنظر نمی‌رسد که هم اشتغال و در نتیجه توزیع عادلانه‌تر درآمدها را بهمراه دارد و هم به تعادل ارزی کمک اساسی می‌نماید.

طی سال مورد گزارش شاخص بهای عمده فروشی ۳۰/۲ درصد افزایش یافت و به این ترتیب ظرف ۴ سال پیاپی قیمت‌های عمده‌فروشی افزایشی بیشتر از قیمت کالاهای مصرفی داشته است. گزارش در توجیه علل، مقایسه دو رقم فوق، «اصلاح ساختار قیمت‌ها» رامطرح می‌کند که نرخ ارزی یکی از آنها می‌باشد و می‌گوید: «دو سوم از افزایش قیمت‌ها در سال ۷۱ ناشی از همین اصلاحات می‌باشد». باین ترتیب اصلاحات مورد بحث فعلا بردوش مصرف کننده بار سنگینی گذاشته است به بینیم در سال جاری و سالهای آینده تأثیر مثبت این اصلاحات در کاستن ارز بار تورم فرساینده چگونه ظاهر خواهد شد. حقیقت اینست که افزایش قیمت خوراک به میزان ۲۸/۱ درصد در سال، مسکن بمیزان ۲۲/۱ در ظرف یکسال و پوشاک به میزان ۱۱/۸ درصد را نباید ساده پنداشت و اتخاذ تدابیر اساسی برای کاستن از فشار تورمی قیمت‌ها، علاوه بر جنبه ضرورت، جنبه فوریت نیز به خود می‌گیرد و تأمین عدالت اقتصادی - اجتماعی و حفظ تعادل کلی جامعه بستگی به موفقیت در این راه دارد.

خریداران از بخش خصوصی می‌بوده‌اند، این امر بمعنی پیشبرد برنامه خصوصی‌سازی محسوب می‌شود اما گزارش در این زمینه ساکت است. ■

● نظراتی که در این تحلیل ابراز شده مربوط به نویسنده این مقاله است و الزاماً نظر اتاق



اتحادیه اصناف
خریداران
ایران



اتاق بازرگانی و صنایع
و معادن ایران

بسمه تعالی

دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی

و دوره‌های تکمیلی حسابداری و امور مالی

**دوره تکمیلی (۱)
حسابداری و امور مالی**

- حسابداری مالی
- مباحثی از حسابداری مالی تکمیلی
- حسابداری صنعتی
- مدیریت مالی و بودجه
- حسابرسی
- قانون مالیاتهای مستقیم
- قانون تجارت
- آشنایی با کامپیوتر

**دوره تکمیلی (۲)
حسابداری
و امور مالی**

- حسابداری مالی پیشرفته (۱)
- حسابداری مالی پیشرفته (۲)
- حسابداری صنعتی (۲)
- حسابداری مدیریت
- کاربرد استانداردهای حسابداری
- مدیریت مالی

**دوره عالی حسابداری
و مدیریت مالی**

- کاربرد استانداردهای حسابداری
- حسابداری مالی
- حسابداری مدیریت
- مدیریت مالی
- حسابرسی
- قانون مالیاتهای مستقیم
- قانون تجارت
- آشنایی با کامپیوتر

شرایط شرکت کنندگان:

- لیسانس حسابداری یا رشته‌های مشابه و سه سال سابقه کار حسابداری یا حسابرسی

- مدرک دوره تکمیلی (۱) حسابداری و امور مالی
- یا فوق‌دیپلم و سه سال سابقه کار در حسابداری یا حسابرسی

- مدرک دیپلم متوسطه و پنج سال سابقه کار در حسابداری یا حسابرسی

● مدت آموزش هر یک از دوره‌های فوق ۲۶۰ ساعت (فقط روزهای پنجشنبه، از ساعت ۸ تا ۱۳)

● فرصت ثبت‌نام: ۱۳۷۲/۸/۱۸ تا

● محل ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر:
خیابان طالقانی بین خیابان فرحیت و خیابان دکتر متح آموزشگاه، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلفن: ۸۳۸۳۲۴

بورس اوراق بهادار

و بالاخره گزارش حاکی است که در سال ۷۱ جمعاً ۴۹/۸ میلیون سهم، به مبلغ ۳۵۲ میلیارد ریال، در سازمان بورس اوراق بهادار معامله شد که ۲۴ درصد آن توسط سازمان صنایع ملی ایران و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بود و ۳۹ درصد از کل سهام معامله شده مربوط به بانکها و شرکتهای سرمایه‌گذاری بوده است. که اگر هر دو طرف این معاملات دولتی نبوده باشند، بلکه